

# چرا و چگونه؟

هنوز چیزی از آغاز سال ۲۰۰۳ میلادی نگذشته بود که به فکر کمبودی افتادم که سالها آنرا احساس مینمودم و آن داشتن یک مجله هنری بود در کشور استرالیا. ولی چه چیزی مانع بوجود آمدن چنین مجموعه ای بود؟ اهم درحالی که تعداد زیادی از نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات در شهرهای مختلف این بر اعظم زیست داشتند.

وقتی موضوع را با جناب جلال نورانی دوست و همکار عزیزم در میان گذاشتم با استقبال فوق العاده ایشان مواجه شدم. لذا مشترکاً تصمیم به تهیه و نشر چنین مجله ای گرفتیم. اما برخی از دوستان ما چنین استدلال می کردند که شرایط زندگی در جامعه امروزی این سرزمین و مشغله های روزمره آنقدر مردم را مصروف ساخته که شاید فرصتی برای مطالعه و خواندن مجلات و روزنامه ها برای شان دست ندهد.

اما با توجه به چنین استدلالهای موزون و ناموزون تشخیص خودما این بود که جامعه افغانها در استرالیا نیازمند چنین مجله ای است تا از یکطرف توانسته باشیم این کمبود مطبوعاتی را پر نمائیم و از طرفی منبعی باشد برای شناساندن هنرهای زیبا، ملی و باستانی کشور ما که شامل هنرمندان نوازنده، خواننده، نقاشان، خطاطان، نویسندگان، شاعران و دیگر اصناف هنری جامعه می باشد.

همان بود که حقیر در حالیکه در ایالت استرالیای جنوبی (ادیلاید) می زیستم و محترم جلال نورانی نویسنده و طرپرداز چیره دست کشور ما در شهر ملبورن ایالت ویکتوریا سکونت داشت، با چشم پوشی از مسافه راه و با همکاری هم به نشر نخستین مجله هنری تحت نام «گلبرگ» بصورت رنگه و چاپ آفست پرداختیم و مبالغی را صرف چاپ نخستین شماره آن که به تیزاژ ۱۰۰۰ نسخه منتشر شد کردم. با هزینه های گزاف پستی توانستیم در کمترین وقت ممکن آنرا به اکثر نقاط جهان ارسال نمائیم.

چنانچه عده ای از دوستان هنر پرور و ادب دوست ما علاوه بر اینکه از وصول آن اطمینان دادند حق الاشتراک شان را نیز ارسال داشتند، ولی تعدادی نیز به گمان اینکه طلب شان را پس از سالها بدست آورده باشند حتی از رسید آن هم خبری ندادند.

اما نکته قابل اهمیت این بود که پس از چاپ نخستین شماره گلبرگ ما نه تنها مطالب و نامه هایی را از اروپا و امریکا بدست آوردم، بلکه از غربت سراهای ایران و پاکستان نیز نامه های محبت آمیز و

مشوق نامه های فراوانی دریافت داشتیم که هر کدام بنوبه خود مراتب خوشنودی ما را فراهم کرد. زیرا تعدادی از هموطنان ما در حالیکه در شرایط دشوار ایران و حتی اردوگاه های پاکستان میزیستند استقبال زیادی از نشر گلبرگ داشتند و آغاز آنرا برای ما تبریک گفتند.

این موضوع از یکطرف بر خوشحالی خاطر ما افزود و از طرفی هم بسیار درد آور بود، زیرا بطور حتم همه می دانیم که تعداد زیادی از هنرمندان، نویسندگان و در نهایت تحصیل کرده ها و چیزفهمان کشور ما در شرایط بسیار مرفه و بدور از تشویش ها و مشکلات روزمره زندگی در کشور، در ممالک همسایه، اروپا، امریکا، کانادا و حتی همین استرالیا زیست دارند و برخی از آنها چنان شیفته فرهنگ بیگانه شده اند که نه تنها اصالت ملی و فرهنگی خویش را از یاد برده اند، بلکه فراموش شان شده است که از کجا آمده اند و زادگاه اصلی شان کجاست!!!

به هر حال پس از انتشار نخستین شماره گلبرگ و عکس العمل های خواننده گان بنده تصمیم گرفتم تا جهت بهبود مشکلات طباعتی و هر چه بهتر شدن وضعیت گلبرگ، پس از یازده سال ادیلاید را به مقصد ملبورن ترک نمایم، چنانچه اقدام به اینکار نمودم و قبل از چاپ دومین شماره مجله بنده نیز ساکن شهر ملبورن شدم و در کنار سر محرر مجله مشترکاً به کار انتشار آن ادامه داده و تا این مرحله پیش رفتیم. امروز شرایط زندگی در ممالک غربی بصورت قابل الوصفی بارفاه و آسایش همراه میباشند که هم زمینه تحصیل در رشته های مختلف فراهم است و هم زمینه کار و به عبارتی به دست آوردن پول.

ولی مهمتر از همه اینها تربیت سالم فرزندان ما و توجه جدی والدین بدانهاست، زیرا به همان پیمانمانه که رفاه و آسایش در جوامع غربی و پیشرفته امروزی حکم فرماست به همان اندازه نکات بسیار منفی ای نیز در بطن جامعه وجود دارد که با اندک کم توجهی والدین خدای ناخواسته به لغزش فرزندان ما منجر خواهد شد.

امروز به حمد الله نشرات فراوانی در خارج از کشور به زبان های دری و پشتو منتشر می شود که بطور یقین می توان گفت قریب به ۹۸ فیصد آنها نه برای کسب درآمد، بلکه صرف برای زنده نگهداشتن فرهنگ، عنعنات و ارزش های ملی و فرهنگی سرزمین اجدادی ما محسوب می شود و گلبرگ نیز یکی از آنها می باشد که اینک سومین سال نشراتی اش را سپری می کند.

این وظیفه والدین است تا مشوق اصلی فرزندان شان برای مطالعه نشرات به زبان مادری شان باشند تا بدانند که مربوط به چه جامعه ای هستند و چه گذشته ای داشته اند. بقیه در صفحه ۲۵